

آیا صبح پیروزی نزدیک نیست؟

علیرضا وکیلپا در فرهنگ انتظار، حوادث سخت و شب های طولانی نبرد، نه نشانه بن بست، که علامت ناگزیر تحول اند. نگاه توحیدی به ما می آموزد که سنت الهی، پیروزی را در پس دشواریترین لحظات، پنهان کرده است. امروز که آتش فتنه و هجوم دشمن از هرسو به چشم می خورد، برای قلبی که با معارف مهدوی پیوند خورده، این اضطراب هانه مایه هراس، که مژده پایان شب سیاه است. مادر معرکه امروز، به افقی می نگریم که در آن، بساط ظلم فرعونیان زمان دربرابر تالگو صبح صادق، ذوب خواهد شد.

قرآن کریم در اوج تقابل میان فرستادگان حق و تبیهکاران، کوتاه ترین و کوبنده ترین جمله را برای تقویت اراده مؤمنان بیان می فرماید: «...إِنَّ مُوَعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ...» بی گمان موعد[مجازات] آن ها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟

این آیه، نشان نهایی امیدآفرینی در دل بحران است. زمانی که فرشتگان عذاب به حضرت لوط^ع مژده دادند که بساط مفسدان در سپیده دم برچیده می شود، یاسخی به بی تابی مؤمنان در محاصره دادند که تا بد بر تارک تاریخ می درخشد. این پرسش که «آیا صبح نزدیک نیست؟» برای تقریب ذهن به پیروزی و نشان دادن کوتاهی عمر باطل است. در نگاه منتظران، «صبح» تنها یک واحد زمانی نیست، بلکه استعاره از ظهور حق و حاکمیت عدالت است. هرچه فشار دشمن و تاریکی فتنه در منطقه بیشتر می شود، طبق سنت «الْبُشَى الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»، نوید نزدیکی فتح نهایی و نصرت مهدوی، ملموس تر می شود. انتظار در میانه جنگ، مانند صبر مسافری در دل طوفان شب است که به عقربه های دقیق ساعت وحی می نگرد. اومی داند که خورشید برای طلوع کردن، اجازه نمی گیرد و هیچ قدرتی نمی تواند مانع از رسیدن سحر شود. بمباران ها و تهدیدهای دشمن، آخرین دست و پا زدن های باطل در برابر خورشیدی است که طلوعش حتمی است. ما امروز در حال عبور از گردنه سحر هستیم، جایی که خستگی معنا ندارد، چون نور از لایه لای صخره ها پیدا شده است.

غم مخور که آخر شب تاریک، صبح روشن است
شعله آتشفشان، سمرنزل گلشن است

مشاوره

پدر و مادر، معماران روح

تربیت قلب به معنای پالایش درونی، پرورش محبت الهی، عشق به هم نوع، شفق، گذشت و پاک سازی از ردایل اخلاقی مانند کینه، حسد و خودخواهی است. تربیت خلق و خو نیز به معنای آراستن رفتار و کردار بر اساس مکارم اخلاقی مانند راستگویی، امانت داری، احترام به دیگران، صبر، بردباری و مسئولیت پذیری است.

پرسش: چه راهکارها و روش هایی برای تربیت قلب و خلق و خود در محیط خانه وجود دارد؟

تربیت قلب و خُلق، یکی از مهم ترین وظایف معنوی و تربیتی خانواده است. خانه، نخستین محیطی است که روح انسان در آن شکل می گیرد و پایه های شخصیت اخلاقی و معنوی او بنا می شود. در نگاه اسلامی، اصلاح قلب و آراستن آن به فضایل، مقدمه اصلاح رفتار بیرونی است؛ زیرا همان طور که قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء، ۸۹-۸۸)، بنابراین، قلب سالم، سرمایه ای است که در دنیا، آرامش و در آخرت، رستگاری به همراه دارد.

نخستین مرحله در تربیت قلب در خانه، ایجاد فضای معنوی است. قرآن خوانی، برایایی نماز جماعت، یاد خدا و گفت وگویی معنوی، روح اعضای خانواده را لطیف می کند. پیامبر اکرم^ص فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمُتُّ أَمْ تَحْيَا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ» (مناقب، ۱۰۸)، دل ها همان گونه که آهن زنگ می زند، زنگار می گیرد. «پرسیدند: ای رسول خدا، جلاد هنده آن چیست؟ پاسخ دادند: «بَلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَذِكْرُ الْقُرْآنِ». پس انس با قرآن، قلب را زنده و آرام می کند و یاد آخرت، انسان را از غفلت دور می سازد. در کنار تربیت قلب، تربیت خُلق نیز نقش بنیادی دارد. قرآن کریم می فرماید: «وَأَنْتُمْ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴) و این آیه نشان می دهد که سرچشمه تربیت اخلاقی، الگو بودن است. پدر و مادر با رفتار نیک، صداقت، صبر، ادب و مهربانی خود، بهترین مربیان اخلاقی فرزندان هستند. امام صادق^ع می فرمایند: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِخَيْرِ أَسْلَافِهِمْ» (مناقب، ۱۰۸)، مردم را با غیر زبان هایتان (با رفتار خود) دعوت کنید. بنابراین سخن گفتن درباره اخلاق، کافی نیست، بلکه عمل صالح و رفتار درست، عمیق ترین اثر را دارد.

بردار و بخوان

روایتی تازه از پیوستگی مبارزه ائمه^ع

در هیاهوی تاریخ نویسی های سطحی و گاه تقلیل گرانه، کتاب «همر زمان حسین^ع»، اثر گران سنگ حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، نه تنها یک اثر تاریخی، بلکه یک بیانیه فکری و انقلابی است. این کتاب که حاصل «سخرانی تاریخی در محرم سال ۱۳۵۸ در هیئت انصارالحسین تهران است، با رویکردی تحلیلی و ژرف، پرده از رازهای پنهان سیره ائمه معصوم^ع برمی دارد. هسته مرکزی و نوآورانه این اثر، نظریه «انسان ۲۵ ساله» است. نویسنده با استناد به این دیدگاه بی نظیر، حیات مبارزاتی دوازده امام را نه به صورت وقایع گسسته بلکه به مثابه حیات یک موجود واحد و پیوسته معرفی می کند که از ابتدای امامت تا آغاز غیبت کبری، لحظه ای از جدال با ظلم دست نکشیده است. این نگاه، باورهای غلطی نظیر انزوا یا سکوت ائمه^ع پس از عاشورا را باطل کرده، نشان می دهد که چگونه هر امام، متناسب با مقتضیات زمان، تاکتیک های هوشمندانه ای چون «جهاد» (به معنای تلاش همه جانبه) و «تقیه» (به عنوان یک سلاح سیاسی و تاکتیک بقا) را به کار گرفته است.

چرا باید این کتاب را خواند؟ زیرا «همر زمان حسین» به ما می آموزد که میراث امام حسین^ع تنها یک روضه نیست، بلکه یک مکتب پویا و مستمر است. این اثر با زبانی شیرین، روان و در عین حال علمی، مفاهیمی چون فلسفه امامت و چرایی مقاومت ائمه^ع را با تعریفی می کند. متن کتاب نشان می دهد که چرا شناخت عمیق ائمه^ع، بیش نیاز حل مشکلات امروز است. همان طور که در برشی از کتاب آمده است: «ما هنوز ضروری ترین مسائل زندگی مان را نمی دانیم... دست تحریف چه غوغایی در مسائل اولیه کرده است، این کتاب

که انتشارات انقلاب اسلامی منتشر کرده و به عنوان منبعی معتبر در آزمون های استخدامی نیز مورد توجه است، برای طیف وسیعی از خوانندگان، از دانشجویان و طلاب گرفته تا عموم علاقه مندان به تاریخ تشیع و جوانان جوایای الگوی مقاومت، توصیه می شود. «همر زمان حسین^ع» دعوتی است به بازخوانی تاریخ با عینک بصیرت، جایی که امام سجاده^ع تا امام حسن عسکری^ع نه به عنوان چهره هایی دور از سیاست، بلکه به عنوان هم سنگران و ادامه دهندگان راه شمشیر حسین^ع در میدان نبرد فکری و اجتماعی معرفی می شوند.

اگر به دنبال درکی عمیق تر از هویت شیعی و پیوند ناگسستنی تاریخ و سیاست در مکتب اهل بیت^ع هستید، این اثر راهنمایی ضروری و الهام بخش برای نسل کنونی است.



شهر
نور
SHAHIRANEWS.IR
شماره: ۱۴
تیرماه ۱۳۹۵
شماره: ۳۳۳



بررسی برخی کرامات امام هشتم^ع برای شیعه و ایران در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین باقری کیا

«خیابان» و «میدان» مدیون امام رضا^ع است

گزارش

آئمه مستقیمی از راه های ارتباط ما با امام رضا^ع، گشودن باب انس و الفت با حضرت، به واسطه القابی است که ایشان به آن ها شهرت دارند و مرور و بررسی آن ها نشان می دهد که این القاب نه از سر حب و عنایت شیعه بلکه به دلیل اعجازها و عنایات و الطاف حضرت است که بر سر زبان ها افتاده است؛ اعجازهایی که متوقف نشده و در جنگ ها و بحران ها هم به کمک ما آمده است. درباره این القاب و برکاتش برای امروزمان، با حجت الاسلام والمسلمین باقری کیا، استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، گفت وگو کرده ایم.

ماه ذی القعدة، فرصت انس با امام رضا^ع است

درمیان ماه های قمری، «ذی القعدة» بیشترین تعلق را به حضرت علی بن موسی الرضا^ع دارد. این ماه با ولادت خواجه کریمه امام^ع آغاز می شود، یازدهمین روز این ماه سالروز ولادت خود حضرت، بیست و سوم آن، روز زیارت مخصوص ایشان و نهایتا بیست و نهمین روز از آن، سالروز شهادت ابن الرضا^ع، حضرت جواد الائمه^ع واقع شده است و از این رو، بیشترین انتساب را به حضرت ثامن الحجج^ع دارد و فرصت انس و الفت با امام رثوف^ع و دانستن درباره سیره حضرت و قرار گرفتن زیر سایه عنایتشان، مهیاتر است.

امام صادق^ع، آرزوی دیدارش را داشت

اگرچه نامشان علی و لقب مشهورشان رضاست، القاب متعددی همچون غریب الغریبا، ضامن آهو، قبله هفتم، امام رثوف و سلطان نیز برای ایشان شهرت و کاربرد دارد. از مهم ترین القاب آن حضرت، عالم آل محمد^ص است که از جانب جدشان امام صادق^ع به ثامن الائمه^ع اعطا شد. ایشان در همان سالی که حضرت امام صادق^ع به شهادت رسیدند، متولد شدند و اگرچه مقدرات اجازه نداد شیخ الائمه^ع نوه خود را ببینند، اما به امام کاظم^ع فرمودند: «عالم آل محمد^ص در صلب شماست و او هم نام جدم علی بن ابیطالب^ع است. کاش من او را درک می کردم.»

امام رضا^ع، علم ائمه^ع را صادر کرد

لقب عالم آل محمد^ص را در حالی امام صادق^ع به نوه شان اعطا کردند که ایشان، خود علم امامت را پیروز و ظهور دادند و نهضت علمی فرهنگی تأسیس کردند. در پاسخ به چرایی اختصاص این لقب برای امام رضا^ع باید گفت اگرچه همه ائمه^ع، علمی یکسان و هم تراز با پیامبر^ص دارند، ظهور و بروز این علم توسط امام صادق^ع و مهم تر از آن صدور این علم توسط حضرت علی بن موسی^ع و در جلسات مناظره با علمای ادیان، انجام شد. وقتی مأمون از سراسر جهان اسلام، علمای اسلام و دیگر مکاتب و ادیان را جمع کرد و مناظره ای بزرگ ترتیب داد تا علم ائمه^ع را به چالش بکشد، امام رضا^ع به گونه ای بر همه علما و اندیشمندان غلبه کردند که پس از آن، علم اهل بیت^ع به همه نقاط جهان اسلام، صادر شد و عالم را بهره مند کرد.

امام خمینی^ع، اذن قیامش را از علی بن موسی^ع گرفت

اعجازهای امام رضا^ع، جغرافیا را هم مrehون و مدیون کرده و به برکت هجرت و مضجع امام رضا^ع، خطه خراسان و مشهد، پایتخت معنوی ایران شده است. با عنایات خاصه ایشان است که ما در بحران ها، جنگ ها و فتنه ها بر دشمن غلبه کرده و از آن ها پیروز بیرون آمده ایم. ما معتقدیم که تأثیرگذاری امام در شهادت و حیات تفاوتی ندارد. لذا این انقلاب از خرداد ۱۳۴۲ تا امروز به عنایت امام رضا^ع، مراحل سختی های مختلف را پشت سر گذاشته است؛ شخصا مطلع هستم که امام خمینی^ع در نیمه خرداد ۱۳۴۲، شخصی را به نیابت از خود به خراسان فرستادند و فرمودند: «بروید و از امام رضا^ع برای من اذن قیام بگیرید.»



حرمش، قبله هفتم حاجات است

از دیگر القاب امام رضا^ع، شهرت به «قبله هفتم» است. بنابر نقل برخی مراجع، ما در اسلام دو قبله داریم؛ نخست قبله عبادت و سپس قبله زیارت؛ کعبه قبله عبادات ما و حرم های ائمه اطهار^ع، قبله حاجت و زیارت است که اولین آن هابه شخص پیامبر^ص تعلق دارد؛ دومین قبله، قبور مطهر ائمه بقیع^ع است؛ سوم حرم مطهر امیرالمؤمنین^ع در نجف است؛ چهارمین قبله کربلای معلی است؛ پنجمین قبله حرمین شریفین کاظمین است؛ ششمین قبله حرمین عسکریین^ع در سامراست و نهایتا مرقد مطهر امام رضا^ع در مشهد، قبله هفتم حاجات است و دل ها از دور و نزدیک به سمت آن متمایل هستند.

نبحر در مناظره

حضرت علی بن موسی الرضا^ع ۲۰ سال امامت را معاصر با سه دوره خلافت (هارون الرشید، امین عباسی و مأمون عباسی) برعهده داشتند. همان قدر که معاویه به مکر و حيله شهرت داشت، مأمون هم مکار بود و با ولائعهتدی می خواست چهره سیاسی امام هشتم^ع و چهره علمی ایشان را در مناظرات تخریب کند که در هر دو هدفش شکست خورد؛ چون به جایگاه امام^ع به عنوان حجت خدا توجه نداشت و نمی دانست که امام، جلوه مکر حُسن الهی است. با همین مکر و نیر ازاده الهی، جریان مناظره با علمای ادیان با گذشت نزدیک به ۱۴۰ سال هنوز در جهان اسلام و ادیان ابراهیمی، انعکاس و جریان سازی دارد. همچنین امام رضا^ع در مسائل اعتقادی و علم کلام، تبحر و ورود داشتند و احادیث فقهی و اخلاقی بسیاری از ایشان به یادگار مانده است.

حجت الاسلام والمسلمین باقری کیا:

تعبیر «ایران امام رضا^ع» تعارف نیست؛ چون ما یقین داریم که حضرت ثامن الائمه^ع لحظه به لحظه به این حکومت و نظام عنایت و حمایت و عنایت امام رضا^ع را درک کرده ایم؛ نمونه نزدیک و امروزی اش، همین جنگ تحمیلی سوم که هم اقتدار نظامی و پاسخ قاطع و دندان شکن به دشمن و هم حضور مقتدرانه و حماسی مردم در خیابان را که طبیعی نیست و حالت اعجاز دارد، مrehون لطف و عنایت حضرت ثامن الحجج^ع هستیم.



اعجازهای رضوی در جنگ تحمیلی سوم

تعبیر «ایران امام رضا^ع» یعنی نه فقط مشهد بلکه دره ذره خاک این کشور به امام رثوف^ع تعلق دارد، چنان که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی گفت: «ایران حرم است.» این ها تعارف و ادعا نیست، ما در همه بحران ها و بزنگاه های تاریخی، سیاسی و اجتماعی، حمایت و عنایت امام رضا^ع را درک کرده ایم؛ نمونه نزدیک و امروزی اش، همین جنگ تحمیلی سوم که هم اقتدار نظامی و پاسخ قاطع و دندان شکن به دشمن و هم حضور مقتدرانه و حماسی مردم در خیابان را که طبیعی نیست و حالت اعجاز دارد، مrehون لطف و عنایت حضرت ثامن الحجج^ع هستیم.

ادب در خیابان، اعتبار برای ایران

دادن خلاصه نمی شود، بلکه کیفیت برخورد ما با هم نوعانمان، با محیط شهری و با نیروهای ناظر در خلوت و جلوت را دربر می گیرد. اخلاق در میدان به دو شاخه اصلی «نظم جمعی» و «احترام متقابل» تقسیم می شود، به عنوان نمونه، «صبر و پایداری» در برابر سرمای هوا یا کمبود امکانات اولیه، نماد بارز اخلاق فردی در جمع است. در مقابل، «رعایت حق الناس» و «برهیز از هرج و مرج» در مواجهه با ترافیک و رفت و آمد عابران، تجلی گاه اخلاق اجتماعی است. اگر شخصی در هیجان تجمعات، راه را برای آمبولانس یا عبور مردم مسدود کند، زنجیره ای از ردیلت اجتماعی را فعال کرده است که پیام ما را مخدوش می سازد.

فضایل و ردایل: در روی سکه حماسه
منابع غنی فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی، تصویر روشنی از این دوگانه ارائه می دهند. در یک سوی میدان، فضایی چون «نظم و انضباط»، «احترام به اموال عمومی»، «پاکی محیط»، «هدملی با سایر هم وطنان»، و «شیجاعت در گفتار محترمانه» قرار دارد. در سوی دیگر، ردایلی مانند «تخریب اموال»، «آلودگی محیط زیست»، «بی توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی» مردم عادی و «بی توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی» صف کشیده اند که ویروس وار به پیکره مشروعیت و جذابیت انقلاب، آسیب می زنند. شستن دیوارهای یک بنای عمومی با رنگ های ناسازگار یا ریختن زباله در مسیر پیاده رو، تنها یک تخلف جزئی نیست؛ این ها مصادیق عینی ردایل اخلاقی است که اعتبار اخلاقی پیام صِدیت با دشمن را ذره ذره نابود می کند.

چسب ادب در زندگی جمعی
تأثیر آداب در تجمعات مردمی، به مثابه چسبی نامرئی است که انسجام اجتماعی را حفظ می کند. اگر مردم نسبت به یکدیگر در صف ها و تجمع ها صبور، امانت دار و خوش رفتار باشند، سرمایه ای گران بهایه نام «اعتبار ملی» تولید می شود. خانواده ها در سایه الگوی صحیح رفتار فرزندان در خیابان، از بحران های

نسل جوان برای حرکت در مسیر تعالی اجتماعی، نیازمند شعارهای پیچیده نیست. خادمان موبک ها هویت های مردمی با رعایت ساده ترین اصول اخلاقی، می توانند سرآغاز تحولی بزرگ باشند؛ جمع آوری زباله ها پس از تجمعات، احترام به ترافیک و عابران پیاده و برهیز از هرگونه خشونت کلامی یا فیزیکی غیر ضروری، هر فرد با اصلاح رفتار خود در جمع، حلقه ای از زنجیر اصلاح جامعه می شود. اگر هریک از ما تلاش کنیم درمیان انبوه جمعیت، با اخلاق و متانت خود الگو باشیم، آن گاه «تبار معراج میثاق ملی» در جامعه، جاری خواهد شود و فردی درخشان تر، امن تر و اخلاقی تر رقم خواهد خورد. بیابید ثابت کنیم که دشمن ما، نه تنها در سیاست های خارجی، بلکه در فضایل اخلاقی درون جامعه، نیز شکست خورده است.

آداب حضور (اخلاق در تجمعات)
جامعه ای که در میدان ها و تجمعات خود برای پاسداری از ارزش ها و اعلام مبارزاتی از دشمنان به صف می شود، نیازمند روحی متین و سنگین است که در کالبد این تجمعات، دمیده شود. این حقیقت را می توان در مفهوم «آداب حضور» جست و جو کرد. همان گونه که نماز جماعت با نظم و حضور قلب، عبادتی فردی را به اوج جمعی می رساند، یک تجمعات مردمی نیز بدون داشتن ستون های اخلاقی و ادبی صحیح، هرگز به قله های اثرگذاری واقعی، دست نخواهد یافت. حضور فیزیکی و فریاد شعار، بدون این زیربنا، چون بنایی بی اساس، ناپایدار و محکوم به فراموشی است.

تعریف آداب در تجمعات
آداب اجتماعی در تجمعات به مجموعه ای از رفتارهای کنترلی و عادت های مدنی، اطلاق می شود. این خصلت ها صرفا به شعار



حجت الاسلام والمسلمین باقری کیا
نویسنده و فعال فرهنگی

درنگ

